



درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فیما یحرم علی الجنب

موضوع جزئی: عدم جواز استنجار جنب برای نظافت مسجد

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۴ خرداد ۱۴۰۰

مصادف با: ۱۳ شوال ۱۴۴۲

جلسه: ۹۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در مسأله ۶۵۸ بود. عرض شد که این مسأله سه فرض دارد. در جلسه گذشته فرض اول و دوم بیان شد.

فرض سوم، این است که اجاره به امری که فی نفسه حرام است، تعلق گرفته باشد، مثل اینکه شخص جنب برای دخول یا مکث در مسجد اجیر شود که در این صورت، اجاره باطل است و اجیر، مستحق دریافت اجرت نمی باشد، هر چند که اجیر و اجاره دهنده [هر دو] جاهل باشند زیرا دخول و مکث جنب در مسجد، حرام می باشند [و اجاره به فعل حرام تعلق گرفته است] و اجرت، به حرام تعلق نمی گیرد.

سؤال: آیا در فرض مذکور، مطلقاً به بطلان اجاره حکم می شود یا مطلقاً به صحت اجاره حکم می شود یا باید بین صورت علم به جنابت اجیر و جهل به جنابت اجیر تفصیل داد؟

پاسخ: مرحوم سید (ره) در فرض مذکور که اجاره کننده، به جنابت اجیر علم دارد، به بطلان اجاره قائل شده است، مطلقاً؛ اعم از اینکه اجیر، به جنابت خودش علم داشته باشد یا نسبت به جنابت خودش جاهل باشد، همچنین ایشان فرموده است که در فرض مذکور، اجیر نیز مستحق دریافت اجرت نمی باشد زیرا کاری که انجام داده است (دخول و توقف در مسجد)، حرام بوده است و اجرت به کار حرام تعلق نمی گیرد.

اما به نظر می رسد که در فرض مذکور، باید قائل به تفصیل شد و بین صورت علم اجیر به جنابت خودش و صورت جهل اجیر به جنابت خودش تفصیل داد و گفت که در صورتی که اجاره کننده، به جنابت اجیر علم داشته باشد و اجیر نیز به جنابت خودش علم داشته باشد، اجاره باطل است، ولی اگر اجاره کننده، به جنابت اجیر علم داشته باشد ولی اجیر به جنابت خودش علم نداشته باشد، اجاره باطل نیست چون در فرض جهل، حرمت منجز نمی شود و قطعیت پیدا نمی کند، پس دخول یا مکث جنب در مسجد که نسبت به جنابت خودش جهل دارد و نمی داند که جنب است یا جنب نیست، اشکالی ندارد و ظاهراً مباح است چون جاهل تکلیف ندارد و در فرض مذکور، اجیر نسبت به جنابت خود جاهل است لذا تکلیفی متوجه او نیست و چون قدرت بر تسلیم عمل مورد اجاره را دارد، اجاره صحیح است و اجرت المسمی نیز به او تعلق می گیرد.

اما در همین فرض که اجاره کننده، به جنابت اجیر علم دارد، اگر خود اجیر نیز به جنابت خودش علم داشته باشد، اجاره صحیح نیست چون قادر بر تسلیم عمل مورد اجاره نیست زیرا برای او امکان ندارد که بین امر به وفای به مورد اجاره و نهی از دخول در مسجد؛ با حالت جنابت، جمع کند و چون به جنابت خودش عالم می باشد، حرمت در حق او منجز می شود و اجرتی نیز به او تعلق نمی گیرد.

البته اگر شخص اجاره کننده، به جنابت شخصی که می خواهد او را اجیر کند، عالم باشد، نمی تواند او را اجیر کند، هر چند که شخص اجیر، به جنابت خودش جاهل باشد، چون در حرمت مطلقه به خاطر اطلاقی که دارد، فرقی نیست که عمل حرام، مباشرتاً انجام

شود یا تسبیحاً انجام شود، بنابراین اجاره کننده که به جنابت اجیر شونده علم دارد، نمی تواند موجب و سبب ارتکاب حرام از طرف اجیر شود لذا نمی تواند او را اجیر کند، ولی حرمت اجاره کردن اجیر در این فرض، مستلزم بطلان اجاره و عدم تعلّق اجرت به اجیر نمی شود. اما اگر خود اجیر به جنابت خود عالم باشد، هرچند که حرمت عمل به خودی خودش منافاتی با ملکیت ندارد، یعنی بین حکم تکلیفی حرمت و حکم وضعی صحت ملکیت بر اجرت، منافاتی نیست ولی چون حرمت عمل در این فرض، مانع از تسلیم عمل مورد اجاره به اجاره دهنده است و اجیر نمی تواند مورد اجاره را [شرعاً] تسلیم کند و از باب اینکه ممنوع شرعی همانند ممنوع عقلی است و گویا که عقلاً نیز نمی تواند مورد اجاره را به اجاره دهنده تسلیم کند لذا اجاره باطل است و اجیر نیز مستحق اجرت نمی باشد چون امر به وفای به مورد اجاره و نهی از دخول و مکث در مسجد، قابل جمع نیستند.

عده ای برای بطلان اجاره در فرض مذکور، به جای استدلال به عدم قدرت بر تسلیم مورد اجاره از طرف اجیر، به روایت نبوی ذیل استدلال کرده اند؛

قَالَ النَّبِيُّ (ص): «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئاً حَرَّمَ ثَمَنَهُ»^۱.

گفته اند که از این روایت استفاده می شود که خداوند متعال زمانی که یک چیز را حرام کند، قیمت و ثمن آن را نیز حرام می کند، لکن گفته می شود که با توجه به اینکه روایت مذکور، مرسله است، قابل استناد نیست. همچنین، به بعضی از روایات دیگر نیز استناد شده است که چون ضعیفند قابل استناد نیستند.

پس عمده دلیلی که می توان اقامه کرد، این است که در فرضی که شخص اجیر، به جنابت خودش عالم است، هرچند که حرمت عمل با ملکیت منافاتی ندارد ولی چون اجیر، قدرت ندارد که مورد اجاره را تسلیم کند و از طرف شارع منع شده است و ممنوع شرعی مثل ممنوع عقلی است، بنابراین، هم اجاره باطل است و هم اجرتی به اجیر تعلق نمی گیرد.

مسأله ۶۵۹: «إِذَا كَانَ جَنْباً وَكَانَ الْمَاءُ فِي الْمَسْجِدِ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يَتَيَّمَّ وَيَدْخُلَ الْمَسْجِدَ لِأَخْذِ الْمَاءِ أَوْ الْإِغْتِسَالِ فِيهِ وَ لَا يَبْطُلُ تَيَّمُّهُ لَوْ جَدَّانَ هَذَا الْمَاءِ إِلَّا بَعْدَ الْخُرُوجِ أَوْ بَعْدَ الْإِغْتِسَالِ وَ لَكِنْ لَا يَبَاحُ بِهَذَا التَّيَّمُّ إِلَّا دَخُولَ الْمَسْجِدِ وَ اللَّبْثُ فِيهِ بِمَقْدَارِ الْحَاجَةِ، فَلَا يَجُوزُ لَهُ مَسَّ كِتَابَةِ الْقُرْآنِ وَ لَا قِرَاءَةَ الْعَزَائِمِ إِلَّا إِذَا كَانَ وَاجِبِينَ فَوْرًا»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص جنب باشد [و بیرون از مسجد باشد] و آب در مسجد باشد، واجب است که شخص [در خارج مسجد] تیمّم کند و برای برداشتن آب [از مسجد] یا غسل کردن در مسجد، داخل مسجد شود و با دخول او در مسجد به خاطر دسترسی به آب، تیمّمش باطل نمی شود [که گفته شود که چون به آب دسترسی پیدا کرده است، تیمّمش باطل می شود]، مگر بعد از خروج از مسجد [، یعنی بعد از برداشتن آب و خارج شدن از مسجد] یا بعد از غسل کردن در داخل مسجد [که در این دو صورت، تیمّم باطل می شود] و لکن جز به مقدار دخول در مسجد و توقف در مسجد به مقدار نیاز، با تیمّم مباح نمی شود، پس برای شخصی که تیمّم دارد، مسّ نوشته قرآن [که در مسجد هست] و خواندن سوره های سجده دار [که سجده واجب دارند] جایز نیست مگر اینکه مسّ نوشته قرآن و خواندن سوره های سجده دار، واجب فوری باشند [، مثلاً قرآن نجس شده است و شخص چاره ای ندارد که برای برطرف کردن نجاست، روی نوشته های قرآن دست بکشد، یا اینکه او را به خواندن سوره سجده دار مجبور کرده باشند].

۱. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۳، ص ۱۸۵؛ محمد بن علی، ابن ابی جمهور احسائی، عوالی (غوالی) اللئالی العزیزیه، ج ۲، ص ۱۱۰.

۲. سید محمد کاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۹۱.

نکته: حکم به وجوب تیمم در این مسأله با کلام مرحوم سید (ره) در امر سوم از اموری که بر جنب حرام است، منافات دارد زیرا مرحوم سید (ره) در آنجا نوشته است: «وَأَمَّا الْمُرُورُ فِيهَا بِأَنْ يَدْخُلَ مِنْ بَابٍ وَيَخْرُجَ مِنْ آخِرِ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَكَذَا الدَّخُولُ بِقَصْدِ اخْتِزَاعِ شَيْءٍ مِنْهَا فَإِنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ»^۱ و این عبارت حاکی از این است که دخول جنب در مسجد به قصد عبور و گذشتن از مساجد [غیر مسجد الحرام و مسجد النبی]؛ به این نحو که از یک در داخل شود و از در دیگر خارج شود اشکالی ندارد، همچنین دخول به قصد برداشتن چیزی از مسجد [غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی] با حالت جنابت [بدون اینکه مکث کند] اشکالی ندارد. بنابراین در مسأله مورد بحث (مسأله ۶۵۹)، نیز دخول جنب برای برداشتن آب از مسجد نباید اشکال داشته باشد و نیازی به تیمم نیست.

مرحوم آیت الله خویی (ره) در بحثی که مرحوم سید (ره) در مورد سوم از مواردی که بر جنب حرام است، مطرح کرده است، مناقشه‌ای را مطرح کرده است و فرموده است که حکم مرحوم سید (ره) به جواز دخول جنب در مسجد به قصد برداشتن چیزی با حکم ایشان به حرمت گذاشتن چیزی در مسجد مناسبتی ندارد، هرچند که گذاشتن چیزی در مسجد بدون دخول در مسجد باشد [، یعنی مرحوم سید (ره) فرموده بود که گذاشتن چیزی در مسجد از طرف جنب حرام است، هرچند که آن چیز را از بیرون مسجد داخل مسجد بگذارد و خودش داخل مسجد نشود]، توضیح مفصل این مطلب در جلسه ۸۳ بیان شد.

سؤال: اگر شخص جنب بخواهد برای اخذ آب داخل در مسجد [غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی] شود یا بخواهد برای غسل کردن، در مسجد [غیر مسجد الحرام و مسجد النبی] توقف کند، آیا لازم است که قبل از دخول در مسجد تیمم کند یا لازم نیست که تیمم کند؟

پاسخ: مرحوم سید (ره) قائل به وجوب تیمم شده است و فرموده است که شخص باید تیمم کند، لکن جز به مقدار دخول در مسجد و توقف در مسجد به مقدار نیاز، با تیمم مباح نمی‌شود. شاید دلیل اینکه مرحوم سید (ره) این قول را اختیار کرده است، این باشد که تیمم در فرض مذکور، برای حالت اضطرار است لذا مشروعیت آن در حد ضرورت است که انسان از مسجد آب بردارد یا در آنجا غسل کند و توقف بیش از این مقدار؛ با حالت تیمم جایز نیست.

«الحمد لله رب العالمين»